



آغاز امت یهود

یهودیان امت خدا هستند و داستان آنها از زمان ابراهیم آغاز می شود. به دلیل ایمان بزرگ ابراهیم خدا او را به عنوان پدر امت خویش انتخاب کرد. خدا به ابراهیم وعده های زیادی داد (درس ۱۲ را ببینید). و این امر برای پسرش اسحاق و همچنین یعقوب نیز تکرار شد. خدا نام یعقوب را به اسرائیل تغییر داد و امت نیز نام خود را از او گرفت.

یعقوب ۱۲ پسر داشت و پدر ۱۲ قوم اسرائیل شد. (شجره نامه ابراهیم را ببینید - درس ۱۰) یعقوب و خانواده اش در سرزمین کنعان، اسرائیل امروزی، زندگی می کردند. کوچکترین فرزندش یوسف نام داشت. داستان زندگی یوسف در پایان مکاشفه در تاریخ کتاب مقدس بسیار مهم است.

برادران یوسف او را به بازرگانان مصری فروختند و او به عنوان برده به مصر برده شد. بعد از گذشت امتحانات بسیاری او عزیز مصر شد. در زمان قحطی یعقوب و خانواده اش نزد یوسف در مصر آمدند چون خدا آذوقه را از طریق یوسف برای آنها مهیا کرده بود.

سالها بعد، بعد از مرگ یوسف و زمانی که تعداد اعضای این خانواده زیاد شده بود مصریان آنها را به عنوان تهدید قلمداد کرده و همه را برده ساختند. به رهبری موسی خدا آنها را از مصر خارج کرد و از طریق صحرایی خشک و بی آب و علف به سمت مرزهای کنعان برد. سرزمینی که به ابراهیم و نوادگانش وعده داده شده بود.

فرمانی از سوی خدا

بعد از گذشت از صحرا مردم اسرائیل به کوه سینا رسیدند. در اینجا بود که خدا با آنها صحبت کرد و آنان امت خاص خدا شدند. خدا به آنها گفت: "و اکنون اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قوم ها خواهید بود. زیرا که تمام جهان از آن من است." (خروج، باب ۱۹، آیه ۵) مردم پاسخ دادند: "آنچه خدا امر فرموده است خواهیم کرد" (خروج، باب ۱۹، آیه ۸). و بعد خداوند قوانین خود را از طریق موسی به آنها اعلام کرد. اگرچه این قوانین از سوی خدا آمده است ولی به عنوان قوانین موسی از آن یاد می شود. قوانین شگفت انگیزی بودند که شامل ۱۰ فرمان شد. و تمام بخش های زندگی را پوشش داد و اگر یهودیان از آنها پیروی می کردند برای قوم برکت به همراه می داشت. سپس باعث می شد که امت های دیگر هم بخواهند همانند یهودیان زندگی کنند و خدای حقیقی را پرستند.

خدا می خواست که مردم از هر امتی به سوی او بیایند، یهودیان را به عنوان امت خاص خود برگزید تا بتوانند شاهدان خداوند باشند. اطاعت از فرمان های موسی آنها را از ملت های مختلف جدا می ساخت و باعث می شد تحت تاثیر ملت هایی که خدایان دروغین داشتند و شریر بودند قرار نگیرند. این درسی برای ما در زندگیست. به عنوان نشانه ای که مردم اسرائیل قوم خاص خدا بودند به آنها گفته شد که روز آخر هر هفته را (شنبه) مقدس نگاه دارد (مقدس یعنی جدا شده) این روز سبت نامیده شد. در این روز مردم از کارهایی که در طول هفته انجام می دادند دست کشیده و به برکت هایی که از خدا گرفته اند می اندیشند. اما در طول عهد عتیق می بینیم که یهودیان در تقدیس روز سبت شکست خورده و به طور مداوم از فرمان های خدا سرپیچی می کردند. به جای اینکه الگویی از جانب خدا برای دیگر امت ها باشند، شرارت امت های دیگر را ادامه می دادند.

تا زمان تعلیمات عیسی مسیح، قوانین موسی مردم را راهنمایی می کرد (غلاطیان، باب ۳، آیه ۱۹ تا ۲۴) پس لزومی ندارد که مسیحیان همچنان از شریعت های موسی پیروی کرده و یا سبت را مقدس بشمارند اگرچه بسیار مفید است اگر یک روز از هفته را به پرستش اختصاص دهند. مسیحیان معمولاً روز یکشنبه را روز خاص خود قرار می دهند. چون ایمانداران عهد جدید نیز اینگونه عمل می کردند. عبور از صحرا به سوی کنعان باید فقط چند هفته طول می کشید، اگرچه مردم از ساکنان کنعان می ترسیدند و به خدا برای فتح آن سرزمین اعتمادی نداشتند، پس به عنوان مجازات، خدا مانع ورود آنان به کنعان شد و ۴۰ سال آنها را در صحرا نگاه داشت. تا زمانی که تمام کسانی که در ایمان ضعیف بودند مردند. با این حال خدا در این ۴۰ سال از آنها مراقبت می کرد و برایشان غذا مهیا می کرد: "و روح نیکوی خود را به جهت تعلیم ایشان دادی و من خویش را از دهان ایشان باز نداشتی و آب برای تشنگی ایشان، به ایشان عطا فرمودی و ایشان را در بیابان ۴۰ سال پرورش دادی که به هیچ چیز محتاج شدند لباس ایشان مندرس نگردید و پاهای ایشان ورم نکرد." (نحمیا، باب ۹، آیه ۲۰ و ۲۱)

در نهایت قوم وارد کنعان شد (اسرائیل امروزی) سرزمینی که خدا به عنوان خانه به آنها داد. خداوند پادشاه آنها بود و برایشان نبی و داوران فرستاد تا در مسیرشان کمکشان کرده و بر آنها حکمرانی کنند.

یهودیان پادشاه می خواستند

حدود ۴۰۰ سال گذشت. یهودیان خواستار پادشاهی زمینی شدند، می خواستند مانند دیگر امت ها باشند. با این عمل آنها خدا را به عنوان پادشاه رد کردند سموئیل داور و نبی متوجه غلط بودن این خواسته شد و برای آنها به درگاه خدا دعا کرد. خدا به او گفت: "آواز قوم را در هر چه به تو گفتند بشنو، زیرا که تورا ترک نکردند بلکه مرا ترک کردند تا بر ایشان پادشاهی ننمایم" (سموئیل، باب ۸، آیه ۷)



خدا به آنها یک پادشاه زمینی داد - در اول سموئیل، باب ۹ و ۱۰ در مورد مسح شائول می خوانیم، او به خدا ایمان نداشت، بعد از او خدا پادشاهی را به داوود داد که از قبیله جنوبی یهود بود. داوود ۴۰ سال پادشاهی کرد و خدا را خشنود ساخت - سلیمان پسر داوود پادشاه بعدی بود. خداوند به سلیمان برکت داد و او بسیار ثروتمند شد و در کاخی شکوهمند زندگی کرد، اما از مردم مالیات های کلان می گرفت و همین باعث خشم مردم شد. در آغاز فرمانرواییش باعث خشنودی خدا بود ولی در نهایت بت می پرستید. به عنوان مجازات، خدا گفت که فرمانروایی دو قسمت خواهد شد و قسمت بزرگتر به خدمتکار سلیمان داده شد. خدا گفته بود که این اتفاق در زمان فرمانروایی پسر سلیمان خواهد افتاد.

پادشاهی تقسیم شده

بعد از مرگ سلیمان فرزندش رحبعام پادشاه شد. مردم از او خواستند تا مالیات را کمتر کند و او به جای گوش دادن به انسان های عادل و با تجربه که مشاوران پدرش بودند، به دوستان جوان خود گوش داد و به مردم گفت که مالیات را افزایش خواهد داد. این حرف آن چیزی نبود که مردم انتظارش شنیدن آن را داشتند، شورش به پا شد و پادشاهی اسرائیل به دو قسمت تقسیم شد. ده قم به پادشاهی شمالی تبدیل شدند که توسط خدمتکار سلیمان یربعام حکمرانی می شد. سبط بنیامین و یهودا به رحبعام وفادار مانده و پادشاهی جنوبی را تشکیل دادند. این جدایی دقیقاً همانطور که خدا پیشگویی کرده بود به وقوع پیوست.

کتاب اول و دوم پادشاهان شامل تاریخ این دو فرمانروایی کنار هم است. پادشاهی جنوبی به یهود معروف بود، چون تمام پادشاهانش از سبط یهود بودند. پادشاهی شمالی نام اسرائیل را حفظ کرد.

کلمه "اسرائیل" به عنوان زیر بکار برده شده است:

- یعقوب (که اسمش توسط خدا به اسرائیل تغییر یافت)
- نوادگان یعقوب (یهودیان)
- سرزمینی که خدا به ابراهیم و نسل های بعد از او وعده داد.
- پادشاهی متحد (قبل از جدا شدن در زمان رحبعام)
- پادشاهی شمالی (بعد از جدایی)

ادامه نافرمانی یهودیان

در اول و دوم پادشاهان می بینیم که در شرایط مختلف مردم اسرائیل و یهودا از فرمانرمان خدا سرپیچی می کنند. پرستش آنها بی معنی بود و از قلب نبود، آنها بت پرست بودند. شرایط در حدی رو به وخامت رفت که خدا تصمیم گرفت که آنها را مجازات کند، دقیقاً همانطور که توسط نبی های مختلف به آنها هشدار داده بود. اسرائیل (پادشاهی شمالی) اول مجازات شد. خداوند آشوریان را بر علیه آنها فرستاد و مردم به اسارت برده شدند و بعد از مدتی پراکنده گشتند. آنها دیگر به عنوان یک امت به سرزمین خود بازنگشتند.

مدتی بعد خدا از یهودیان (پادشاهی جنوبی) خواست که به او گوش دهند و از گناهان خود توبه کنند، دوم تواریخ، باب ۳۶، آیه ۱۵ و ۱۶ نشان می دهد که خداوند چگونه این کار را از طریق انبیا خود انجام داد:

" و یهوه خدای پدر ایشان به دست رسولان خویش نزد ایشان فرستاد، بلکه صبح زود برخاسته ایشان را ارسال نمود زیرا که بر قوم خود و بر مسکن خویش شفقت نمود. اما ایشان رسولان خدا را اهانت نمودند و کلام او را خوار شمرده، انبیايش را استهزا نمودند چنانکه غضب خداوند بر قوم او افروخته شد به حدی که علاجی نبود"

بنابراین پادشاهی یهودا توسط نبوکدر نصر پادشاه بابل به اسارت برده شد. خداوند به آنها وعده داد که بعد از ۷۰ سال آنها می توانند به سرزمین خود بازگردند، بسیاری بازگشتند، گرچه از آن زمان، ملت های مختلف بر آنها پادشاهی می کردند. به دلیل تشویق های زیاد نبی خدا، آنها معبد خداوند در اورشلیم را که توسط نبوکدر نصر تخریب شده بود بازسازی کردند. اما همچنان به سرپیچی از فرمان خدا ادامه دادند. ۳ کتاب آخر عهد عتیق (حجی، زکریا، ملاکی) در زمان بازگشت آنها از اسارت نوشته شد.

پادشاهی جنوبی	پادشاهی شمالی
معروف به یهودا	معروف به اسرائیل (همینطور افرایم و یا سامریه)
پایتخت: اورشلیم	پایتخت: سامریه
۲ سبط (یهودا و بنیامین)	۱۰ سبط
اولین پادشاه رحبعام پسر سلیمان بود	اولین پادشاه یربعام، خدمتکار سلیمان بود



بعد از آن توسط نوادگان داوود و سلیمان حکمرانی شد (از بسط یهودا)	بعد توسط پادشاهان زیادی حکمرانی شد، همه پادشاهان از نوادگان هم نبودند
پادشاه شرور زیادی داشتند اما بعضی با ایمان به خدا فرمانروایی می کردند و مردم را به پرستش خدا تشویق می کردند	تمام پادشاهانش شرور بودند و بت می پرستیدند، مردم نیز راه آنها را ادامه می دادند
بعد از حدود ۴۰۰ سال توسط بابلیان سرنگون شدند	بعد از حدود ۲۲۰ سال توسط آشور سرنگون شدند
بسیاری به بابل به اسارت برده شدند و تعدادی بعد از ۷۰ سال بازگشتند	بسیاری به آشور برده شدند و پراکنده شدند. آنها هرگز به سرزمین خود به عنوان یک ملت بازنگشتند.

بین عهد عتیق و جدید

بعد از آخرین سه نبی عهد عتیق برای حدود ۴۰۰ سال همانطور که در عاموس، باب ۸، آیه ۱۱ پیشگویی شد، هیچ پیامی از خدا نرسید. این دقیقاً از زمان آخرین کتاب عهد عتیق شروع شده و تا اولین کتاب عهد جدید ادامه دارد. پس وقتی یحیی تعمید دهنده ظاهر شد اشتیاق زیادی وجود داشت. بعد از ۴۰۰ سال سکوت خدا باز با مردمانش صحبت کرد.

بزرگترین یهودی

یحیی تعمید دهنده از سوی خدا فرستاده شد تا مسیر را برای شخص بزرگتری هموار کند. خدا قرار بود تنها فرزند خود را برای نجات مردمانش بفرستد، بنابراین در سرزمین اسرائیل حدود ۲۰۰۰ سال پیش - مسیح به دنیا آمد عیسی یک یهودی بود از نوادگان ابراهیم و داوود.

آدم ← نوح ← ابراهیم ← اسحاق ← یعقوب ← داوود ← عیسی

با وجود شنیدن این کلام و دیدن معجزات شگفت انگیزی که عیسی انجام می داد، یهودیان مسیح وعده داده شده خود را نپذیرفتند. آنها پادشاه رم - پیلاتس را قانع به صلیب کشیدن او کردند. زمانی که پیلاتس گفت: "من از خون این مرد میرا هستم" یهودیان پاسخ دادند: "خون او بر ما و فرزندان ما باد" متی، باب ۲۷ آیه ۲۴ و ۲۵

یهودیان بدترین جرم را مرتکب شده بودند. آنها پسر بی گناه خدا را به کشتن دادند. خداوند رعووف به آنها مرحمت توبه را از طریق آموزش رسولانش به آنها داد. با این حال بسیاری از یهودیان پیشنهاد خدا را نپذیرفتند پس باز مجازات می شوند.

مردمانی بدون سرزمین

خدا برای مجازات یهودیان از رومیان استفاده کرد. در سال ۷۰ حدود ۴۰ سال بعد از به صلیب کشیدن مسیح ارتش روم بر آنها غلبه کرد. آن زمان زمان وحشت و عذاب بود - هزاران یهودی کشته شدند. وحشت آن نبرد از بدترین ترس های ثبت شده در تاریخ است. شهر اورشلیم توسط رومیان محاصره شد و معبد تخریب شد. بعد در سال ۱۳۵ یهودیان نجات یافته از آن سرزمین بیرون شده و در میان ملت های دیگر پراکنده شدند در زمان موسی خداوند به یهودیان هشدار داده بود که اگر از فرمانهایش اطاعت نکنند پراکنده خواهند شد:

" و خداوند تو را در میان جمیع امت ها از کران زمین تا کران دیگرش پراکنده سازد " تثنیه، باب ۲۸، آیه ۶۴

برای حدود ۲۰۰۰ سال یهودیان هیچ سرزمینی نداشتند و همینطور از زجرها و مجازات های شدیدی که در تثنیه باب ۲۸ پیشگویی شده بود رنج بردند. قسمتی از این مجازات مربوط به کمپ های متمرکز هیتلر در طول جنگ جهانی دوم می شد. بیش از ۶ میلیون یهودی طوری کشته شدند که هنوز دنیا در شوک است. تثنیه، باب ۲۸ آیه ۶۴ تا ۶۷ که حدوداً ۳۵۰۰ سال پیش نوشته شد، امروزه به حقیقت پیوست.

علاوه بر شرارتی که در قبال انبیا خدا نشان دادند و کشتن تنها پسر بی گناه خدا، خدا هنوز برای مردمانش نقشه هایی دارد. همانطور که پولس رسول مدتی بعد از به صلیب کشیدن مسیح توضیح داد، خداوند آنها را رد نکرد.

"پس می گویم آیا خدا قوم خود را رد کرد؟ حاشا! زیرا که من نیز اسرائیلی از اولاد ابراهیم از سبط بنیامین هستم. خدا قوم خود را که از قبل شناخته بود رد نفرموده است. آیا نمی دانید که کتاب در الیاس چه می گوید، چگونه بر اسرائیل از خدا استفاذه می کند" رومیان، باب ۱۱، آیه ۱ و ۲

امروزه خداوند یهودیان را به سرزمینشان باز می گرداند. درس بعد در مورد تاریخ مردم انتخاب شده خداوند است.



خلاصه :

تواریخ زیر تقریبی است

۳۵۰۰ سال پیش :

خداوند یهودیان را از مصر خارج کرد و سرزمین اسرائیل را به آنها داد. خدا زریق خود را به آنها نشان داد اما در طول عهد عتیق آنها از فرمان خدا سرپیچی کردند.

۲۵۰۰ سال پیش :

در نهایت خدا یهودیان را با اسارت مجازات کرد. تعداد زیادی از مردمان پادشاه جنوبی بعد از ۷۰ سال بازگشتند اما همچنان از خدا سرپیچی کردند.

۲۰۰۰ سال پیش :

در نهایت یهودیان از اسرائیل بیرون شدند و بین ملت های مختلف پراکنده گشتند، برای حدود ۲۰۰۰ سال آنها بی خانمان بودند.

امروزه :

خدا یهودیان را به سرزمین خودشان باز می گرداند.

آیاتی برای مطالعه :

اشعیا، باب ۴۳، آیه ۱۱ و ۱۲

لاویان، باب ۲۰، آیه ۲۶

اول سموئیل، باب ۱۲، آیه ۲۲

اول تواریخ، باب ۱۷، آیه ۲۱ و ۲۲

دوم تواریخ، باب ۳۶، آیه ۱۱ تا ۲۳

ارمیا، باب ۳۱، آیه ۳۵ و ۳۶

اعمال، باب ۱۳، آیه ۱۶ تا ۳۹

